

دو سال پس از ۱۷ اکتبر، ردپایی از اما واگرها

دیدگاه

استیون کوک

عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا

بیا باید لحظه‌ای یک سناریوی متضاد تاریخی درباره حمله ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ را تصور کنیم. اگر اسرائیل با یک جنگ شدید اما محدود در غزه پاسخ می‌داد، آزادی اسرای اسرائیلی را در اولویت قرار می‌داد و همزمان به دنبال توافق صلح با عربستان بود که قبل از حمله حماس روی میز بود، وضعیت چگونه بود؟ اسرائیل چگونه عمل می‌کرد و چه تعداد زندگی فلسطینی‌ها نجات پیدا می‌کرد؟ امروز منطقه چگونه بود؟

در عوض، اسرائیل مجموعه‌ای از تصمیمات سریع گرفت که مسیر را تغییر داد، همان طور که دیگر بازیگران منطقه و همچنین جو بایدن، رئیس جمهوری وقت آمریکا، مسیرهای خود را مشخص کردند. این همان چیزی است که دانشمندان اجتماعی «وابستگی مسیر» می‌نامند: فرآیندی که در آن تصمیمات، تصمیمات بعدی را شکل می‌دهند.

با ظهور طرح ۲۰ بندی صلح خاورمیانه دونالد ترامپ، زمان مناسبی است که نگاه کنیم: آیا راه‌هایی که انتخاب شدند یا نشدند، باعث طولانی‌تر شدن جنگ در غزه شده‌اند؟ پاسخ، البته، بله است. فاجعه‌ای که در غزه رخ داد، اجتناب‌ناپذیر نبود. اما پاسخ همچنین نه است، زیرا برخی از آن مسیرها الزاماً برای رهبران آمریکا و خاورمیانه در آن زمان در دسترس نبودند. پیامدهای سیاسی آن، بویژه در اسرائیل، فلسطینی‌ها، اسرائیلی‌ها، آمریکایی‌ها و دیگران را در مسیر تراژیک قرار داد که اکنون در آن گرفتارند.

زمانی که حماس عملیات طوفان الاقصی را آغاز کرد، سیاست فوراً شروع به شکل‌دهی میدان نبرد بعدی کرد. واضح بود که بایدن-مرکزگرایی دموکرات قدیمی که هرگز از اعلام حمایت خود از صهیونیسم کوتاهی نکرده بود- اعتقاد داشت اگر فوراً پس از حمله ۷ اکتبر از اسرائیل دیدن کند، برای اخلاق، میراث سیاسی او و سیاست‌هایش بهتر است. بازید بایدن در ۱۸ اکتبر به نظر می‌رسید پیکر پیروزی سیاسی و فرصتی برای رهبری اسرائیل درماده و جامعه یهودی مضطرب باشد.

با این حال، این بازدید همچنین بذر سوءتفاهم و سرزنش میان آمریکا و اسرائیل شد که بعداً رخ داد. بایدن واضحاً تصور می‌کرد که آغوش گرمش نفوذی در نحوه پیشروی ارتش اسرائیل علیه حماس به او می‌دهد. در عوض، رهبران اسرائیل بازدید از علامتی دانستند که دست آنها در غزه باز است. وقتی مشخص شد که بایدن اسرائیل را اشتباه فهمیده و بالعکس، جنگ وارد ماه چهارم خود شده بود. بنیامین نتانیاهو و مشاورانش در طول باقی دوران ریاست جمهوری او عملاً آمریکا را نادیده گرفتند. این بازدید نه تنها مزایای سیاسی برای بایدن و دولت‌ش ایجاد نکرد، بلکه اختلافات میان دموکرات‌ها را دامن زد، بسیاری از حامیان اسرائیل را از حزب دموکرات و نامزد آن دور کرد و میراث رئیس جمهوری را لکه‌دار ساخت، کسی که همیشه به خاطر تسهیل نسل‌کشی متهم خواهد شد.

این بود «وابستگی مسیر» بایدن و تصمیم اولیه او که تصمیمات بعدی را شکل داد. برای

اسرائیل، این برنامه جنگ بود. در ماه‌های اخیر، حامیان اسرائیل در پاسخ به انتقادات از عملیات ارتش در غزه پرسیده‌اند: «اسرائیل چه کاری باید انجام می‌داد؟» منظور این است که هیچ جایگزینی برای عملیات اسرائیل وجود نداشت و بنابراین انتقادات غیرموجه است.

حدود یک سال پس از آغاز جنگ، مقامات سابق اسرائیل به طور خصوصی به من گفتند که اسرائیل در واقع اجرای یک عملیات سه ماهه و ویرانگر علیه حماس را مدنظر داشت، عملیاتی که با دکترین نظامی اسرائیل، حمایت احتمالی شرکای عرب اسرائیل و اطمینان از بیشترین حمایت آمریکا همخوانی داشت.

اما سیاست در لحظه-علاقه به انتقام و خشم



دهد تا بتوانند جنگ کنونی را پایان دهند و در نهایت در صلح زندگی کنند.

پس از دیدار ترامپ با نتانیاهو در ۲۹ سپتامبر، خوش‌بینی زیادی ایجاد شد. رهبر اسرائیل هنوز باید با مخالفت همان افرادی که

دوام کابینه‌اش به آنها وابسته است، مقابله کند. به همین دلیل وقتی هفته گذشته در کنار ترامپ مقابل رسانه‌ها ظاهر شد، تأکید کرد که طرح آمریکا تمام اهداف نظامی و سیاسی اسرائیل

را برآورده خواهد کرد. این ادعا تنها در زمانی درست است که حماس واقعاً اسرای باقی‌مانده را آزاد کند-تنها اهرمی که این گروه

دارد- و سلاح خود را کنار بگذارد.

به عبارت دیگر، شکست را بپذیرد. هیچ‌کس هرگز نخواهد دانست که سایر مسیرهای

ممکن، آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را به کجا می‌برد. شاید

ترامپ منطقه را در مسیر جدیدی قرار داده باشد، اما حتی اگر

این‌طور باشد، طرح او در باره آرمان‌های فلسطینیان و عدالت

خود تغییر نی و عدالت چیزی نمی‌گوید که عملاً

یک مسیر طولانی و نامطمئن دیگر را تضمین کند.

منبع: Foreign Policy



ترامپ با همان مشکلی روبه‌روست که

رؤسای جمهوری قبلی آمریکا با

آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند:

چگونه انگیزه‌ها و محدودیت‌های

سیاسی اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را تغییر دهد



تبدیل پیروزی به شکست عادت

اسرائیلی‌هاست. ماهیت آپارتاید

و سادیسیم پیروزی مطلق

از ۱۹۷۳ رژیم را همواره از چاله

به چاه انداخته است، حتی امروز که فکر

می‌کند می‌تواند نقشه خاورمیانه

را تغییر دهد...

یادداشت

علیرضا حجتی

دبیر گروه بین‌الملل

اکتبر ۱۹۷۳ است: صهیونیست‌ها مشغول جشن‌های یوم کیپور هستند غافل از اینکه مصر بزرگ‌ترین غافلگیری را برای

آنها کنار گذاشته است و آماده حمله برای بازپس‌گیری صحرای سینا است.

مصری‌ها که بعد از مرگ جمال عبدالناصر سرخورده هستند، در ندادن حمله‌ای

هستند که انتقام ۲ شکست دیگر آنها از رژیم در جنگ ۱۹۵۶ کانال سوئز و جنگ

شش روزه ۱۹۶۷ را هم بگیرند.

حمله در ۶ اکتبر با همراهی سوریه حافظ اسد آغاز می‌شود. اسرائیل به شدت غافلگیر شده است و مصر پیروزی

برق‌آسایی در ابتدا کسب می‌کند. مصری‌ها حتی با شکست «خط بارلو» در صحرای سینا باعث هت و حیرت

سران اسرائیل شده‌اند.

چیزی به شکست اسرائیل باقی‌نمانده است اما ورود آمریکا به عرصه و راه‌اندازی

خط تأمین هوایی تسلیحات به اسرائیل مشهور به خط Nickle Grass از یک

سو و تصمیمات نظامی اشتباه محمد انور سادات، به تدریج روند جنگ را

مغلوبه می‌کند.

جنگ یوم کیپور، با پیامدهایش تاریخ خاورمیانه را تغییر داد. اعراب به این نتیجه

رسیدند که اسرائیل شکست‌ناپذیر است، مصر به عنوان بزرگ‌ترین کشور و ارتش

عربی به صلح تحمیلی کمپ دیوید تن داد تا فلسطین تنها حامی قدرتمند خود

را هم از دست بدهد. توافقی که تا همین امروز هم مصر را به گروگان گرفته است.

در جبهه اسرائیل هم، پیروزی در یوم کیپور، صهیونیست‌ها را به ادراک رساند

که آنها وارد «عصر جاودانگی» در خاورمیانه شده‌اند و پایان تاریخ را رقم می‌زنند.

دیگر هیچ مانعی پیش روی اسرائیل قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان

فلسطینی‌های در لبنان بودند. از این رو قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان



دو سال پس از ۱۷ اکتبر چگونه مسیر تاریخ تغییر کرد؟

جهان در لحظه

بزرگ‌تری از اکتبر ۱۹۷۳ را چشید.

حالا این حماس بود که سکان تاریخ را به دست گرفت و سرنوشت غرب آسیا را به

قبل و بعد از طوفان الاقصی تبدیل کرد. حوادثی که تاریخ را به قبل و بعد از

خود تقسیم می‌کنند بعد غافلگیری

را حفظ می‌کنند: روندها را دگرگون

می‌کنند و خود به نقطه مبدأ حوادث آتی

تبدیل می‌شوند. ویژگی دیگر این اتفاقات

تاریخی این است که تمام پیشفرض‌های تثبیت‌شده را برهم می‌زنند و مسیر

تحولات را تغییر می‌دهند.

تاریخ منطقه پیش از طلوع صبح ۷ اکتبر

بنیامین نتانیاهو ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۳ درست

۱۵ روز قبل از طوفان الاقصی در مجمع

عمومی سازمان ملل گفت: ببینید! فلسطینی‌ها تنها ۲ درصد از جهان عرب

هستند! وقتی آنها ببینند که ۹۸ درصد

کشورهای عربی با دولت یهود آشتی کرده‌اند، احتمال بیشتری دارد که راه

صلح واقعی را در پیش بگیرند!

جنايتكار قرن اين جملات صلح‌طلبانه را همزمان با در دست داشتن نقشه‌ای

از خاورمیانه که تمام فلسطین به شمول غزه و کرانه باختری را ضمیمه اسرائیل

نشان می‌داد، بیان کرد! از نگاه نتانیاهو، صلح واقعی که فلسطینی‌ها می‌توانند از

درد اما داستان غزه مشخصاً از سال ۱۹۴۸ و یوم النکبه

بعد از تأسیس رژیم صهیونیستی آغاز می‌شود. روزگاری

که جمال عبدالناصر که محبوب‌ترین رهبر عربی دوران

خود بود، در جریان جنگ اول اعراب و اسرائیل در غزه

محاصره شده و با شکست دولت‌های عربی از اسرائیل،

دستور ترک آنجا را می‌گیرد. عبدالناصر آن زمان یک افسر

حکومت مصر

۱۹۶۸-۱۹۶۷

پیش از جنگ مرتبط با ایجاد رژیم اسرائیل در ۱۹۴۸، غزه کنونی بخشی از قلمرو وسیع خاورمیانه تحت حاکمیت

بریتانیا بود. پس از شکست ائتلاف کشورهای عربی توسط اسرائیل، ارتش مصر کنترل یک نوار کوچک بین

اسرائیل، مصر و مدیترانه را در دست گرفت. در طول یوم النکبه، حدود ۷۰۰ هزار فلسطینی یا از خانه‌های خود

قرار کردند یا مجبور به ترک شدند؛ این جابه‌جایی ده‌ها هزار فلسطینی را به نوار غزه کشاند.

تحت کنترل نظامی مصر، پناهندگان فلسطینی در غزه بی‌خانمان و بدون تابعیت بودند. مصر آنها را شهروند

نمی‌دانست و اسرائیل اجازه بازگشت به خانه‌هایشان را نمی‌داد. بسیاری از آنها توسط آژانس پناهندگان

فلسطینی سازمان ملل (UNRWA) حمایت شدند. در همین حال، برخی جوانان فلسطینی هسته‌های

مقاومت علیه اسرائیل را شکل دادند.



۱۹۹۳-۲۰۰۵ کنترل فلسطینی

برای مدتی، مذاکرات صلح بین رهبران اسرائیل و فلسطین به رهبری یاسر عرفات آینده غزه را کمی امیدوارکننده

کرد. پس از توافقات اسلو به عنوان مجموعه‌ای از توافقات بین نخست‌وزیر اسرائیل، اسحاق رابین و رهبر

سازمان آزادی‌بخش فلسطین که زمینه‌ساز راه‌حل دو دولتی شد کنترل غزه به حکومت تازه تأسیس فلسطینی

واگذار شد.

اما خوش‌بینی کوتاه‌مدت بود. ترور رابین در ۱۹۹۵ توسط یک یهودی افراطی مخالف صلح و انتخاب بنیامین

نتانیاهو به عنوان نخست‌وزیر در سال بعد، تلاش‌های صلح به رهبری آمریکا را متوقف کرد. تلاش دیگری در

اواخر ۲۰۰۰ با آغاز انتفاضه دوم فلسطینی شکست خورد.

در سال ۲۰۲۵، آریل شارون، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی دستور خروج یک‌جانبه از غزه را صادر کرد

و همه نیروهای اسرائیل و تقریباً ۹۰۰۰ شهرک‌نشین را از نوار غزه خارج کرد. اقدامی که اسرائیل را به شدت

دچار شکاف کرد.



برای خشونت لفظی و بی‌پروا تبدیل شدند. همه گناهکار بودند، جز نتانیاهو و دولت‌ش.

جنگ دو سال است که بی‌هدف ادامه دارد. اسرا رها شده‌اند. اسرائیل در انزوا دیپلماتیک، اقتصادی و

اخلاقی فرو رفته است. دستان اسرائیل به خون ده‌ها هزار نفر از مردم غزه آغشته است. اسرائیلی‌ها

از سفر به خارج می‌ترسند. رژیم، نهادهای و بافت اجتماعی آن در مراحل پیشرفته‌ای از فروپاشی

قرار دارند.

این واقعیت امروز اسرائیل است، دولتی که اکنون به امپال رئیس‌جمهوری ایالات متحده وابسته شده

است. اگر او بخواهد جنگ را پایان دهد، اسیران را بازگرداند و اسرائیل را از نابودی نجات دهد، چه

بهرتر. اما اگر خسته شود و آن را محکوم کند که تحت رهبری نتانیاهو از یک شکست به شکست

دیگر برود، همان هم رخ خواهد داد.

آنچه باید در اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق می‌افتاد-پذیرش

منبع: Haaretz